هو الله

رَشح عَما از جَذبِهٔ ما ميريزد سِرِّ وَفا از نَغمِهٔ ما ميريزد

از بادِ صَبا مُشکِ خَطا گَشته یدید وين نَفخِهُ خوش از جَعدِهُ ما ميريزد

شَمسِ طَراز از طَلعَتِ حَقّ كرده طُلوع سرّ حقيقت بين كَز وَجهِهُ ما ميريزد

بَحرِ صَفا از موج لِقا كرده خُروش وين طُرفِهْ عطا از جذبهٔ ما ميريزد

زين گَنج مُحَبَّت دُرِّ وفا ميريزد

نُقرِهُ ناقوريْ جذبهُ لاهوتي

دَورِ اَنَا هُو از چِهرِهٔ ما كرده بُروز كُورِ هُوَ هُو از نفخهٔ ما ميريزد

يومِ خدا از جِلوِهٔ رَبّ شد كامل

طَفح بھائی بین رشح عمائی بین

> کِاین جُمله زِ یک نغمه از لَحنِ خدا میریزد

> > كز عَرشِ عَلا ميريزد نَخلِهُ طوبيل بين

غنّهٔ ابھی بین كَز لَمْعِ صفا ميريزد آهنگِ عَراقي بين

دَفِّ حِجازی بین كَفِّ الهي بين كز جذبة لا ميريزد طلعةِ لاهوتي بين

حوري هاهوتي بين

جلوهٔ ناسوتی بین کز سرؓ عما میریزد وجههٔ باقى بين چهرهٔ ساقی بین رَقِّ زُجاجي بين كز كوبهٔ ما ميريزد

آتشِ موسىلى بين بَيضِهٔ بَيضاً بين سينهٔ سينا بين کز کف سنا میریزد نالِهٔ مَستان بين

كز صَحن لقا ميريزد غُنچهٔ هائی بین طُرِّهٔ بائی بین

كز كِلكِ بها ميريزد طفح طهور است این رَشح طَهور است این

حالتِ بُستان بين جذبهٔ هَستان بين رنَّهُ نائي بين غَن طُيور است اين كز عِين فَنا ميريزد

گُنجينهٔ حُبّ در سينهٔ فا گشته نَهان بِهِجَتِ مُل از نَظرِهٔ گُل شد ظاهر این رَمزِ مَلیح از رَنِّهٔ را میریزد این هر دو بیک نفخه از جَوِّ سَما میریزد كوثرِ حَقّ از كاسِهٔ دِل گشته هُويدا وين ساغرِ شَهْد از لَعلِ بها ميريزد اين نَغزِ حَديث از غَنَّهُ طا ميريزد

ماهی سرمَد بین طَلع مُنَزَّه بين صَدرِ مُمَرَّد بين رنَّهُ ورقا بين